



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۹
۷ مه ۲۰۱۰

کورس مدرسی

هفته منصور حکمت

در بزرگداشت دست
آوردهای یک زندگی
پر بار

توضیحی بر انتشار مجدد: هفته حکمت (۴ تا ۱۱ ژوئن، ۱۴ تا ۲۱ خرداد) نزدیک میشود. برای بیان هدف ما از هفته حکمت و اقداماتی که همه دوستداران او و از جمله اعضا و فعالین حزب حکمتیست جهت معرفی هرچه بیشتر منصور حکمت و سیاستها و افکار او میتوانند پیش ببرند، نوشته کورس مدرسی را که به این مناسبت و در معرفی این هفته درج میکنیم و توجه خوانندگان کمونیست هفتگی را به آن جلب میکنیم.

سال ۲۰۰۳ هفته ای که تولد منصور حکمت (۴ ژوئن - ۱۴ خرداد) در آن قرار میگردد هفته منصور حکمت اعلام شد. این هفته قرار است هفته بزرگداشت دست آوردهای زندگی کوتاه اما بسیار پر بار منصور حکمت باشد. منصور حکمت را باید معرفی کرد، منصور حکمت را باید خواند، منصور حکمت را باید فهمید و منصور حکمت را باید شناخت و شناساند همانطور که با مارکس رفتار میکنیم. روشن است که این کاری نیست که در یک هفته قابل انجام باشد. برای ما، کسانی که

صفحه ۲

حزب حکمتیست

اعتراضات گسترده طبقه کارگر در اول مه

اول ماه مه علیرغم همه تلاش های جمهوری اسلامی برای سرکوب و فریب و دستگیری و ساکت کردن کارگران، شاهد اعتراض گسترده کارگران در شهرهای مختلف از جمله تهران، سنج، شیراز، قزوین، تبریز، سقز، کرمانشاه، کرمان، بانه، مهاباد و ... بودیم. کارگران در مراسمهای و تجمعات مختلف، اعتراض خود را بیان کردند، خواستها و مطالبات خود را اعلام کردند، و در یک کلام به زندگی موجود و مناسبات نابرابر نه گفتند.

تلاش سران جمهوری اسلامی، سخنان

اسد گلچینی

درسهایی از اول مه ۸۹ برای کمونیستها

باید به آنچه در اول ماه مه ۸۹ گذشت برگشت. فعالین کارگری و تشکل های کارگری بدون تردید به این کار خواهند پرداخت. کارگران آگاه و کمونیست برای فعالیتی آگاهانه و نقشه مند به این ارزیابی و تصویر درست نیاز دارند.

در روز اول مه امسال وسعت فعالیت و گستردگی تجمع و مراسم ها بسیار قابل توجه بود. روز کارگر برای همه اعم از سرمایه داران و کارگران و جریانات سیاسی فرصتی بود تا این اعتراضات را با خود هم سو کنند. سبزها بویژه تلاش کردند اول ماه مه روزی در ادامه جنبش و تحرکات آنها بر علیه جناح رقیب باشد. برای اینها روز کارگر فرصتی بود تا به سیاست اعلام شده رهبران آن مبنی بر تکیه به کارگران و معلمان جامه عمل پوشانده و آنها را به دنباله جنبش خود تبدیل کنند. جناح حاکم هم البته تمام تقلاي خود را به خرج داد تا با استفاده از قدرت سرکوب و بسیج دستگاه فریب مانع تحرکات این روز شود. با همه اینها روز اول ماه مه را پشت سر گذاشتیم و اکنون

تریا شهبازی

برقه در اروپا و حجاب در تهران پارادکس اختیار و حجاب اسلامی!



آوریل امسال پارلمان بلژیک به اتفاق آرا رای به منع استفاده از نقاب در اماکن عمومی داد. گفته میشود که اگر این لایحه به تصویب سنا نیز برسد، برای زنانی که در بلژیک در برقه زندگی و رفت و آمد میکنند، و تعداد آنها در این کشور ۳۰ تا ۵۰ نفر اعلام شده است، "مشکلاتی" ایجاد میشود. و مثلاً آنها نخواهند توانست در پارک ها و یا سایر اماکن عمومی برقه بر تن ظاهر شوند و در صورت نقض این مقررات به پرداخت جریمه نقدی معادل ۱۵ تا ۲۵ یورو، یا هفت روز زندانی

صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!

همه تدبیرهای خود را کرده بود، رهبران و چهره های اصلی خود را به میدان آورده بود و ارگان ضد کارگری خانه کارگر را نیز به عنوان سویاپ اطمینان خود جلو انداخته بود. مراکز پلیسی و اطلاعاتی آنها از مدتها قبل دستگیری و تهدید و ارباب را علیه فعالین کارگری به روال همیشه دامن زده بودند.

جناح سبز نیز در تلاش بود با انداختن چند مطالبه طبقه کارگر را تور کند و اعتراض کارگری را زیر چتر خود بکشد و طبقه کارگر ایران را به دنباله و سرباز جنگ جناح سبز بورژوازی ایران با جناح حاکم تبدیل کند. بسیج نیرو کردند تا یکبار دیگر و این بار با اتکا به نیروی کارگران و اشک تمساح ریختن برای آنها، مقابله با جناح رقیب را در اشکال دیگری پیش ببرند.

صفحه ۴

خامنه ای و رفسنجانی و تلاشهای خانه کارگر جمهوری اسلامی برای آرام کردن اعتراض کارگری و فریب آنها قبل از اول مه، در کنار آمادگی نیروهای انتظامی و امنیتی آنها برای سرکوب، پیامهای سران سبز و طیف رنگین کمان احزاب همراهشان برای تبدیل اول مه به روز پیوستن به جنبش سبز، نتوانست بر عمق تنفر طبقه کارگر از نظام سرمایه داری و زندگی برده وارث پرده بپوشاند. شعار و مطالبه طبقه کارگر در این روز خواست یک زندگی بهتر بود.

اول مه امسال در شرایطی صورت گرفت که هر دو جناح زیر سایه خفقان و فضای سرکوب در تلاش بودند با همه امکانات خود اعتراض کارگر و مبارزه طلبی آن را در چهار چوب نظام محدود کنند و صدای مستقل و اعتراض طبقاتی آنرا در گلو خفه کنند. جناح حاکم که از مدتها قبل



و تشکل های کارگری ممکن شد که بالقوه میتواند نقطه اتکالی برای پیشروی باشد. یکی از تجمع های اول ماه مه در سنج که از سوی "جمعی از فعالین کارگری شورایی- سنج" سازمان داده شده بود در یک مینینگ از هر لحاظ موفق در یکی از مراکز این شهر در قطعه نامه خود مرز بسیار روشنی بین صف خود و جنبش سبز کشید. این یک نمونه بسیار برجسته به لحاظ سیاسی بود.

نقاط ضعف:

بخش اصلی طبقه کارگر در مراکز مهم صنعتی بدلیل مختلف کماکان از اول ماه مه و دخالت در تجمع و مراسم های این روز دور بودند.

بر اثر سرکوب و خفقان موجود و بویژه در نبود تشکل های مستقل کارگری کماکان بخشی از کارگران در تجمع های خانه کارگر شرکت کردند و این کانالی برای ابراز وجود این بخش از کارگران شد.

سندیکاهای شرکت واحد و نیشکر هفت تپه و بخش زیادی از شبکه های فعالین و ... قادر نشدند در محیط کار و یا محل مورد نظر و در اجتماعات خود در اتکابه اعضایشان، مراسم اول ماه مه را سازمان بدهند. این برای جنبش کارگری و تاکید هر چه بیشتر بر سازماندهی

صفحه ۳

محکوم میشوند. تصویب این قانون در پارلمان بلژیک و بحث گسترش دامنه آن به فرانسه، سوئیس، ایتالیا و هلند، موضوع حجاب زنان، ستم بر زن، آزادی

صفحه ۴

همراه با صدها هزار کارگر روز
جهانی کارگر را گرامی داشتیم!

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

همراه با صدها هزار کارگر روز جهانی کارگر را گرامی

داشتیم!

بخشی از اطلاعیه تشکیلات خارج حزب

تشکیلات خارج کشور حزب راهپیمایی با تجمع شرکت کنندگان در حکمتیست همگام با هزاران کارگر یکی از پارکهای داخل شهر، و معترض در سراسر اروپا و کانادا در تظاهراتها و میتینگها شرکت فعال داشتند و با برافراشتن پرچمهای سرخ و پوستره‌های بزرگ مارکس بار دیگر به مصائب نظام سرمایه داری اعتراض کردند. گوشه‌هایی از برنامه ها و میتینگهای حزب حکمتیست بمناسبت اول ماه مه:

بریتانیا - لندن

تشکیلات بریتانیای حزب حکمتیست همراه با احزاب کمونیست کارگری عراق و کردستان طبق سنت هر ساله همگام با احزاب و اتحادیه های کارگری مارش خود را از مقابل کتابخانه مارکس به طرف میدان مرکزی ترافلگار شروع کردند. تعداد زیادی از اطلاعیه های حزب بمناسبت اول مه و جزوه "آنچه باید آموخت" بزبان انگلیسی در میان جمعیت پخش شد. شعارهایی در طول مارش سر داده شد که توجه عابریں را به خود جلب کرد. تعداد زیادی شرکت کنندگان در این مراسم به همکاری اینترنتی با جمهوری اسلامی علیه امضاء و شخصیت های اپوزیسیون با امضاء کردن حمایت خود را از "کمپین ایست" اعلام کردند.

بریتانیا - منچستر

بمناسبت اول مه نیز جمعی از جانب احزاب چپ و نمایندگان اتحادیه ها در این شهر برپا شد که واحد حزب در آن شرکت داشتند و به توزیع اطلاعیه حزب بزبان انگلیسی و جمع آوری امضا علیه همکاری انترپول با جمهوری اسلامی پرداختند.

اسلونی - نوژ

اعضا و دستداران حزب حکمتیست با حضور در میدان کارگر شهر اسلو همراه با اعضای اتحادیه های کارگری و سایر فعالین چپ و مبارزین جنبش-های اجتماعی همچون سالیان گذشته روز کارگر را گرامی داشتند.

استکهلم

تشکیلات حزب حکمتیست همراه با سایر احزاب و فعالین کارگری در میتینگ اول مه شرکت کردند. در این شهر همچنین سمیناری در مورد جنبش کارگری و مسائل پیشروی آن برگزار شد. مظفر فلاحی، مصطفی اسد پور و شمال علی سخنرانان این سمینار بودند.

آلمان-کلن و هامبورگ

رفقای تشکیلات حزب در این دو شهر با برپایی چادر و میز کتاب و حضور در محل میتینگ سراسری در این شهرها اول را گرامی داشتند.

ابتکار مابجای خود باقی است و با اتکا به همین بلند پروازی و ابتکار باید از امروز سنت هفته منصور حکمت را پایه ریزی کنیم.

هفته منصور حکمت تنها متعلق به حزب کمونیست کارگری ایران نیست. محدود به ایران هم نیست. منصور حکمت متعلق به جنبش کمونیسم کارگری و از آن وسیعتر متعلق به انسانیت آزادیخواه و برابری طلب است. هفته منصور حکمت متعلق به هر انسان، هر جریان، هر سازمان و هر نهادی است که خود را در آرمان منصور حکمت، در دنیای بهتر او، شریک میدانند.

هیچ چیز مانع از آن نیست که در این هفته در ایران و در خارج کشور اعضا و دستداران حزب و دستداران منصور حکمت، هر نهاد، سازمان و جریانی هر کسی که خود را متعلق به سنت او میدانند و دست آوردهای او را ارج مینهد به این حرکت ببینند. کاری را در دستور خود بگذارند. میشود جلسات یا سمینارهای ویژه گرفت، میشود اعضای حزب هر جا که هستند در ایران یا در خارج، در خانه های حزب یا اجتماعات ممکن دیگر در ایران یکی از نوشته های او را به بحث بگذارند. حتی اگر یک نفر هم هستید

میشود عده ای دیگر را جمع کنید منصور حکمت را معرفی کنید، نوشته ای از او را به بحث بگذارید. میشود در رابطه با انتشار آثار او کمک ویژه ای کرد، میشود میز کتاب های ویژه گذاشت، میشود به انتشار نوشته های او کمک کرد، میشود جزوه کتاب یا نوشته ای از او را بازتکثیر کرد و به دست دیگران رساند. میشود در مورد ایده های او در مورد مسئله پناهندگان، در مورد رهائی زنان، در مورد انسان، در مورد کودک، در مورد سیاست، فلسفه، اقتصاد، در مورد سوسیالیسم، در مورد هر چیز دیگری را معرفی کرد، خواند و به بحث گذاشت و کسان دیگری را به او جلب کرد. میشود در سطح بین المللی او را معرفی کرد. میشود پوستر او را پخش کرد، میشود نوارهای او را تکثیر و توزیع کرد. میشود هزار کار کرد. هر برنامه ای که دارید، هر کاری که میکنید را به اطلاع ما برسانید. مهم این است که ما این هفته را هفته منصور حکمت کنیم. دنیا باید او را بشناسد. باید از امروز سنت این هفته را بگذاریم.

در بزرگداشت دست آوردهای

خود را متعلق به سنت تئوریک، سیاسی و اجتماعی او میدانیم تعلق به این سنت چیزی جز تلاش دائم برای تغییر دنیا برای آزادی و برابری قطعی بشریت، یا آنطور که او گفت، برای بازگرداندن اختیار به انسان نیست. این یک تلاش و یک جدال دائم است و شناساندن منصور حکمت بخش لاینجزای این تلاش است. اما هفته منصور حکمت این امکان را بوجود می آورد که یک فعالیت متمرکز برای معرفی منصور حکمت را دامن بزنیم.

هفته منصور حکمت تنها جلسات بزرگداشت نیست. هفته منصور حکمت یک آکسیون سیاسی، به معنای متعارف آن هم نیست. هفته ای است که طی آن مجموعه ای وسیع از فعالیت و ابتکار برای شناساندن منصور حکمت و ارج نهادن به دست آوردهای زندگی او در همه عرصه ها را شامل میشود. هفته منصور حکمت در سالروز تولد او تلاشی است برای حرکت در آودن جامعه در ابعاد کلان برای بزرگداشت زندگی این انسان ترین متفکر عصر ما.

اگر جمهوری اسلامی نبود هفته منصور حکمت، هفته سمینارهای تئوریک، هفته جلسات سیاسی، نمایشگاههای کتاب، هفته انواع مختلف فعالیت های فکری و فرهنگی در ابعاد جامعه ایران بود. فعالیت هایی که نه تنها جایگاه منصور حکمت را در تفکر معاصر باز میکرد و امکان میداد تا در ابعاد وسیع انسانیهای دیگر بتوانند این رگه فکری را بشناسند و به آن ببینند بلکه هفته متمرکزی از فعالیت فکری، هنری و فرهنگی حول مسائل جدید و قدیم جامعه را بوجود می آورد. امکانی را فراهم می آورد که مارکسیست های ما بتوانند حول این خط و سنت فکری به مسائل جدیدی که در مقابل آنهاست به پردازند. جمهوری اسلامی امروز این کار را ناممکن کرده است. اما جمهوری اسلامی به همت انقلاب مردم ایران و به یمن نقشی که تا هم اکنون منصور حکمت در سیاسی ایران و در دادن هویت انسانی به این انقلاب داشته است رفتنی است. در همان حال فلسفه ما، فلسفه مارکس، کمونیسم و منصور حکمت، تن ندادن به دنیای موجود زیر هر توجیهی بوده است. هفته منصور حکمت هفته ای است که بیش از هر موقعیت دیگری باید رنگ این عدم تمکین به وضع موجود را منعکس کند. وجود جمهوری اسلامی در ایران دست ما را بسته است اما بلند پروازی ما و

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

درس‌هایی از اول مه ۸۹ برای

مستقل این جنبش از جنبش سبز حیاتی بود.

علیرغم تمام مطالباتی که در قطعنامه مشترک ده تشکل و نهاد آمد اما تقریباً کسی منتظر دیدن تعداد خواست‌ها و ردیف کردن مطالبات نشد. نه در میان کارگران و نه در فضای سیاسی ایران کسی قطعنامه سراسری امسال را از منظر کم و کیف خواست‌های مندرج در آن ارزیابی نکرد. از نظر هر ناظر خارجی هم می‌شد همان بندهای قطعنامه سال قبل را تکرار کرد بدون اینکه کمبود جدی در آن دیده شود. اما همه نگاه‌شان به موضعگیری این تشکل و نهادها نسبت به حرکتی بود که از خرداد ماه سال گذشته در جامعه در جریان بود. جنبش سبز را می‌گویم. تقریباً کل این نهادها و تشکل‌ها در ابتدای شکل‌گیری جنبش سبز اعلام موضع کرده بودند. و تقریباً همه به جز اتحادیه آزاد کارگران مرز روشنی بین خود و آنها کشیدند. با این حال بعد از حدود یکسال برای اولین بار این نهادها دوباره کنار هم قرار می‌گرفتند تا در مورد مسائل مهم جامعه ابراز نظر کنند.

با انتشار علنی قطعنامه مشترک سال ۸۹، بسیاری متوجه یک حمایت این قطعنامه از جنبش سبز شدند. در بند ۱۱ نسبت به جنبش سبز چنین آمده است؛ **"ما بدینوسیله پشتیبانی خود را از تمامی جنبش‌های اجتماعی آزادی خواهانه اعلام می‌داریم و دستگیری، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش‌ها را قویاً محکوم می‌کنیم."** این بند از قطعنامه را با بند مشابه قطعنامه مشترک و سراسری اول ماه مه ۱۳۸۸ که قبل از جنبش سبز بود مقایسه کنید تا سیاست این دوره ی رفا روشن تر خود را نشان دهد.

"ما بدینوسیله پشتیبانی خود را از تمامی جنبش‌های آزادی خواهانه و برابری طلب همچون جنبش دانشجویی و جنبش زنان اعلام می‌داریم و دستگیری، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش‌ها را قویاً محکوم می‌کنیم." بند ۱۲ - قطعنامه مشترک ده تشکل در سال ۸۸

در این جامعه همه از کارگر تا سرمایه دار میدانند که ربط برابری طلبی و عدالت با جنبشی که هاشمی رفسنجانی هم بخشی از آنست به یک جوک شبیه است. همه میدانند در جنبشی که بخش عمده سرمایه داران ایران، بخشی از شکنجه‌گران و بازجویان و فرماندهان سابق دستگاههای سرکوب و کشتار، و بخش مهمی از آیات عظام و حجت اسلام و تمام احزاب شناخته شده

ناسیونالیست از هر رنگ و جمعی به مصداق شمع و گل و پروانه و بلبل این جنبش را تشکیل داده اند، به هیچوجه نمیتوان اثری از عدالت و برابری یافت. به همین دلیل ساده رفقای فعال در این ده تشکل و نهاد کارگری برای نشان دادن حمایت خود از این جنبش به درست برابری طلبی آن را حذف کرده اند. پذیرفته اند که به حمایت جنبشی میروند که همه ویژگیها را اگر بتوان به آن چسباند، برابری طلبی و عدالت خواهی را نمیشود.

ظاهراً این رفقا پذیرفته اند که این جنبش اگر از عدالت و برابری تهری است اما در مقابل آزادیخواه است. این ادعا کاملاً دقیق است، اما مگر آزادیخواهی سرمایه داران همان آزادیخواهی مد نظر کارگران است؟ جنبش سبز که داریوش همایون هم از آن به عنوان بزرگترین انقلاب بعد از مشروطه نام می‌برد، جنبش جناحی از سرمایه داران است که خواهان آزادی اقتصاد مملکت از دست دولت و تحویل آن به دستان باز بازار آزاد است. اینها حتی زمانی که از احمدی نژاد بد می‌گویند به اقتصاد صدقه ای او می‌تازند که منظورشان همان سوبسید و یارانه هایی است که این رژیم از ترس مردم کارگر و زحمتکش تا امروز قادر به حذف آن نشده است. اینها میخواهند اقتصاد ایران به شکل تاجری در دستان بازار آزاد، کاملاً آزاد باشند. میخواهند سرمایه داران در اخراج و بیکار کردن کارگران کاملاً آزاد باشند و در این میان دولت نه دخالتی بکند و نه مسئولیتی بپذیرد. میخواهند تمام سرمایه داران در بستن و نبستن مراکز کارگری و انتقال سرمایه به بخش های بیشتر سود ده دیگر آزاد باشند. مدافعان سرسخت اصل ۴۴ هستند که تا هم اکنون کارگران را به استثمار افسارگسیخته ای کشانده و کسی امنیت شغلی برایش نمانده است. میخواهند دولت در حرکت سرمایه مانع و محدودیتی ایجاد نکند. این آن نوع آزادی است که تمام شخصیت‌ها و احزاب و نهادهای آگاه سرمایه داران خواهان آنند. اما اگر آزادی مد نظر رفقای کارگر چیزی است ماورای این که هست، این دیگر در توان این جنبش نیست. در ایران امروز هیچ سرمایه داری نمیتواند آزادیخواه باشد چون اولین شرط آزادی حق ایجاد تشکل و اعتراض است. و کدام سرمایه دار بی عقل نمیداند که این حق قبل از اینکه کاری برای او انجام دهد قدرت متشکل کارگری را برای مطالباتش به جان کل سرمایه داران می‌اندازد؟

شاید گفته شود جنگ مردمی که در خیابان‌ها به دنبال این جنبش روانند دارند سنگ‌های استبداد را در هم میشکنند. این اما واقعیت ندارد. در جنبشی که امثال رفسنجانی به عنوان عنصر منفور جامعه جایگاه معنوی پیدا میکنند، جای استبداد فعلی حداکثر به دیگری داده میشود. هر چند شک دارم رفقای کارگر متوجه این مسئله نشده باشند. توجه کنید کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری چگونه در آغاز این جنبش با دقت و با روشنی در مورد آن بیانیه میدهد و میگوید:

"اکنون محافظین سرمایه دچار بحران شدیدی شده و به افشاگری همدیگر پرداخته‌اند. طبقه کارگر و مردم شریف و آزادیخواه ایران باید این نوع فریب کاریهای محافظین سرمایه را افشا نمایند. بورژوازی با هر رنگ و لعابی و به هر شکلی نمی‌تواند و نمی‌خواهد، خواست و مطالبات برحق طبقه کارگر و مردم رنج‌دیده ایران را تأمین کند. تلاش مذبح‌حانه این طبقه و نمایندگان سیاسی آن، در بهترین حالت ذخیره نیرویی است که بتوانند توسط آن بقاء خود را حفظ نمایند، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران نباید به چنین نیرویی اعتماد کند" به نقل از کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در اعلامیه در رابطه با انتخابات ۲۸ - ۳ - ۸۸

کارگران شرکت واحد هم در باره این جنبش در مقطعی که نطفه می‌بست چنین نوشتند:

" امروزه برای کارگران و خانواده هایشان تشویق به شرکت در انتخابات یکی از بی معنا ترین بحث های موجود می باشد چرا که کارگران در سه دهه گذشته، تمام روسای جمهور از دوره جنگ و دوره سازندگی و دوره اصلاحات و هم چنین رئیس جمهور مهرورز را تجربه کرده اند." به نقل از اطلاعیه " سندیکای کارگران شرکت واحد: از هیچ کاندیدایی حمایت نمی کند"

سوال این است که چرا بعد از اتخاذ این سیاست‌های روشن امروز همین رفقا پشت این "جنبش آزادیخواهانه" رفته اند؟ چرا بخش قابل توجهی از این فعالین و تشکل هایشان تلاش کردند اول ماه مه را به روزی در ادامه "جنبش آزادیخواهانه" و تظاهرات‌ها و تجمعات سبز سال ۸۸ تبدیل کنند؟ چرا این رفقا روز کارگر را به دست خود ملی کرده و آن را از روز آگاهی بخش طبقاتی به روز همراهی با طبقات دیگر تبدیل کردند؟ چرا دقیقاً از زاویه جنبش سبز و به نفع آن، از نظرات و سیاست‌ها و از قطعنامه سال گذشته خود عقب نشستند؟ چرا روز روشن دندان برابری طلبی خود را به نفع

"آزادیخواهی" جنبش سبز کشیدند؟ چگونه است که بیانیه رسمی شماره ۲ شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۸۹، اینگونه بی پروا عین سیاست و گفته رهبران شناخته شده جنبش سبز را تکرار میکند و اعلام کرد که اول ماه مه "حلقه مفقوده" مبارزاتی است که یازده ماه است در جریان است؟ همه مدافعین آگاه سبز مدتهاست که داد میزنند برویم سیاستی اتخاذ کنیم تا با شرکت کارگران حلقه مفقوده جنبش سبز تکمیل شده و به کمک آنها کمر جناح مقابل خم شود.

سایت سبزها بارها تجمیع‌های اعلام شده در اول ماه مه در مقابل وزارت کار در تهران و اداره کار در شهرستان‌ها را اعلام کرد و نوشت که تشکل‌های طرفدار جنبش سبز گرد همایی میکنند. ده تشکل مورد نظر در این رابطه نه تنها هیچ اعلامیه و اطلاعیه‌ای صادر نکردند بلکه شورای برگزاری هم رسماً و عملاً همان را اعلام کرد. در مقابل همه اینها ما می‌پرسم چرا آن سیاست سابق کارگری کنار نهاده شد؟

در مقابل این چراها جواب یک حقیقت تلخ است؛ جامعه ایران در دوران جنبش سبز علی‌العموم عقب‌گرد داشت و در میان بخشی از فعالین کارگری که در این چند تشکل و نهاد متشکل اند، این عقب‌گرد بدین شکل خود را نشان داد. تمام اپوزیسیون چپ و راست پشت سبز و جنبش آن رفت و در دستگاههای تبلیغاتی متعددهشان همراه مدیای بورژوازی غرب توانستند این جنبش ارتجاعی را به بخشی از جامعه به قیمت دیگری بفروشد. اما این تمام علت نیست. تا روزی که کارگر کمونیست در مراکز مهم کارگری ایران در شبکه‌های کمونیستی حلقه به حلقه به هم وصل نشوند و به شکلی تحزب در درون خود ایجاد نکنند و سیاست سوسیالیستی را در پیش نگیرند، همیشه امکان لغزش و دنباله‌روی از دیگران در بخش‌های حاشیه‌ای جنبش کارگری وجود دارد. در غیبت این نوع تشکل و تحزب، جنبش کارگری بارها سرباز جنبش طبقه سرمایه دار و بخش‌های ناراضی آن شده است. تجربه انقلاب ۵۷ و فداکاری کارگر نفت در دست به دست شدن قدرت بین دو جناح از طبقه سرمایه دار اساساً در غیبت همین تحزب کمونیستی بود.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعتراضات گسترده طبقه ...

اول ماه مه امسال و گستردگی اعتراضات کارگری، بیان خواستها و مطالباتی که در این فضا امکان بروز پیدا کرد، و همزمان عکس العمل و تحرکات طبقه حاکم و جناحهای مختلف جمهوری اسلامی علیه اعتراض رادیکال کارگری و تدبیرها و نقشه‌هایی که ریختند، یک حقیقت را به همه نشان داد و آن قدرت و جایگاه واقعی طبقه کارگر ایران به عنوان یک موجودیت عظیم اجتماعی و عمق نگرانی طبقه حاکم از این موجودیت است.

همزمان امسال تلاشهای مثبتی برای ایجاد اتحاد در میان کارگران و فعالین کارگری صورت گرفت. در همه شهرها و مراکز مختلف فعالین کارگری در تلاش بودند مناسبیت اول مه را به امکانی برای اتحاد صفوف خود تبدیل کنند. قطعنامه مشترک کارگری صادر شد و بر مطالبات عاجل طبقه کارگر پای فشرده شد. همه این موارد دستاوردهائی هستند که پیشروی بیشتر و اتحاد وسیعتر صفوف کارگران به آن نیاز دارد. حزب حکمتیست به همه رهبران و فعالین کارگری و تشکلهای کارگری که تحت فشارهای فراوان این پیشرویها را ممکن کردند، درود میفرستد و تاکید میکند دستاوردهای کنونی را باید به مبنایی برای به میدان آوردن جنبش طبقاتی خود تبدیل کنیم.

ما کارگران برای رهائی راهی جز اتکا به نیروی خود و دست بردن به قدرت و تعیین تکلیف نهایی و قطعی با دشمنان طبقاتی خود و دولت بورژوازی و طبقه حاکم راه دیگری نداریم. قدرت ما در کار و تولید خوابیده است. قدرت طبقه ما تنها زمانی در خدمت رهائی طبقه کارگر و بشریت قرار خواهد گرفت، که اهمیت استقلال طبقاتی خود، اهمیت تشکیل صف متمایز خود و داشتن پرچم روشن سیاسی به خودآگاهی صفوف مان تبدیل شود. طبقه کارگر در جنگ با بورژوازی راهی جز متحد و متشکل شدن حول پرچم خود و در حزب سیاسی خود ندارد. جهان بار دیگر نیاز طبقه کارگر به اتحاد و تشکل در حزب کمونیستی خود را، در هر لحظه از حیات خود و در جدال و دفاع روزمره اش در مقابل تعرض عیان گسیخته سرمایه، فریاد میزند.

زنده باد اول ماه مه

زنده باد کمونیسم

حزب کمونیست کارگری ایران -
حکمتیست

۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۹ - ۲ مه ۲۰۱۰

برقه در اروپا و

پوشش و راسیسم و "امنیت" را در اروپا دامن زده است. سازمان عفو بین الملل بلافاصله این تصمیم را محکوم و آن را خطرناک دانست. جان دالهنویسن، از اعضای این سازمان در لندن گفته است که "این تصمیم نقض حقوق آزادی بیان و مذهب تمام زنانی است که از حجاب کامل اسلامی استفاده می کنند." "جامعه مسلمانان بلژیک"، این قیم خودگماره پوشیده، مرتجع و مواجیب بگیر، تصویب این قانون را "محروم کردن ده ها زن مسلمان از حقوق اساسی آنها" دانسته است. همزمان گروههای بیشماری از راسیستها و ضدخارجیان پوک مغزی که به پاک کردن هرچه آسیایی و غیراروپایی حرف نشنو از اروپا چشم طمع دوخته اند، از این قانون حمایت کرده اند. مقولات آزادی، انتخاب و اختیار در مورد حجاب اسلامی و برقه، که محور مخالفت با این قانون است، همانقدر معتبر است که انتخاب زنجیر برای برده سیاه و انتخاب تبعیت از سرور سفید برای کودک سیاه گرفتار آپارتاید نژادی! پاسخ "جامعه مسلمانان بلژیک" و شعب مشابه، در مورد "حقوق اساسی زنان" محبوس در برقه و حجاب اسلامی را پائین تر مردم یاخچی آباد تهران داده اند. به این صف پایئن تر میپردازیم.

اما اینکه عوفین الملل، و طیف فمینیست های طرفدار فرهنگ اسلامی، هنرمندان و روشنفکران مامور حفاظت از هویت مذهبی و ملی، این عشاق سینه چاک عقب ماندگی، به شرطی که این عقب ماندگی و اسارت دختران و زنان در چنگال فرهنگ و دولت و قوانین کثیف اسلامی نصیب خود آنها نشود، چرا به مقولات "آزادی و اختیار" برای مخالفت با این قانون متوسل میشوند، دلایل خود را دارد. این نه از نادانی آنها است و نه احمیتا برداشت تفسیربردارشان از مقولات "آزادی و اختیار". هنگامی که قرار است نهاد مذهب و دست درازی آن به حریم زندگی مردم، در سراسر جهان مشروع و قانونی و محترم باشد! هنگامی که احترام به همه مذاهب شرط پذیرفته شده زندگی در محیط های "مدرن" و "مالتی کالچرالیسم" غرب است! باید در کنار بساط تحمیل کلیسا و کنیسا، مسجد و برقه و حجاب اسلامی را هم "حق و آزادی و اختیار مسلمانان" و زنان و دختران گرفتار در چنگال فرهنگ و قانون اسلامی دانست. باید فرمول و نسخه یک دستی از تعرض همه مذاهب در سراسر جهان بدست داد، تا بتوان علمی علیه

"تبعیض" برافراشت و برای خود کسب و کار سیاسی و میدان اعتراضی تعریف کرد. باید بتوان با کشیدن دست نوازش بر سر قربانیان انواع تبعیض های به تساوی، و مثلا با محترم اعلام کردن حجاب و برقه و زنجیرهای بردگی زنان و دختران اسیر در چنگال فرهنگ و قوانین اسلامی، بر "وجدان آزاده" خود از زندگی در دنیایی سرتاپا تبعیض و توحش، مرهم گذاشت. این حکمت دفاع آنها از "حق" زنان برای "انتخاب" حجاب و برقه است. این طیف وقتی نسبت به حقوق مردم کشورهای غیراروپایی اعتراض میکند، معمولا در کنار عقب مانده ترین و پوشیده ترین بخش حاشیه جوامع قرار میگیرد. در مورد این قانون هم ارتباط جدی به دفاع از دختران خردسال و زنانی که گرفتار طالبان و خمینی شدند و قربانیان امروز آنها، ندارد.

از طرف دیگر، نه دولت بلژیک و نه دولت فرانسه سرسوزنی به خاطر احترام به حقوق زنان گرفتار در برقه و حجاب اسلامی و در اعتراض به تباه شدنشان زیر لگد طالبان و خمینی نیست که چنین قوانینی تصویب میکنند. قوانینی که تا همین جا عده ای را طرفدار اخراج برقه برسران، و عده ای را طرفدار حقوق شوهران و برادران برای در حبس نگاه داشتن زنان و دختران در مخالفت با خروج بدون برقه آنها از منزل کرده است. تمایل دول غربی به کنترل هرچه بیشتر عبور و مرور مردم، منحرف کردن ذهن مردم از توجه به مشکلات واقعی و معطوف کردن آن به سمت ۳۰ تا ۵۰ نفر برقه برسر، متهم کردن اقلیتی ۳۰ تا ۵۰ نفره خارجی به ایجاد ناامنی، همه و همه برای سرپوش گذاشتن بر ناامنی وسیع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است که مردم در غرب احساس میکنند. پارلمان و دولت و سیستمی که متکی به احترام به مذاهب و درهم تنیدگی نهاد مذهب بعنوان یک نهاد دخالتگر در زندگی سیاسی، اجتماعی و خصوصی مردم است، سیستمی که متکی به حمایت دولت از مذهب رسمی و سایر مذهبی غیر رسمی است، نظامی که دست کلیسا و کنیسا و مسجد را در شستشوی مغزی کودکان و تعرض به زنان باز گذاشته است، فرهنگی که با هراز راه و رسم رسمی و غیر رسمی مذهب و زن ستیزی را تولید و بازتولید

میکند، نمی تواند علیه برقه و حجاب این مظاهر کثیف زن ستیزی و انسان ستیزی، قد علم کند. این کار تنها کار جنبش و صفی است که منفعتی در حفظ هیچ مذهبی ندارد و خواهان کوتاه شدن دست همه نهادهای مذهبی، این مافیاهای قدرت و ثروت، از تمام شئونات زندگی اجتماعی و سیاسی مردم است. جنبشی که مخالف دخالت همه مذاهب در آموزش و پرورش و ممنوعیت شرکت کودکان در هر نوع مراسم مذهبی و ممنوعیت تحمیل حجاب و هر لباس و پوشش مذهبی دیگری بر کودکان است. جنبشی که مخالف دخالت هر کس در زندگی خصوصی، جنسی، پوشش و معاشرت مردم و بخصوص ممنوع کردن دخالت همسران و برادران و سایر اعضا خانواده در زندگی خصوصی، پوشش و معاشرت زنان است. جنبشی که طرفدار برچیده شدن تمام مظاهر و سمبل های همه مذاهب، در ادارات دولتی، آموزش و پرورش و خدمات اجتماعی است. و این دیگر کار جنبشی کمونیستی طبقه کارگر است که کمترین منفعتی نه در قدرت مذهب دارد و نه در زن ستیزی و کودک ستیزی.

پاسخ به "جامعه مسلمانان بلژیک"
جامعه مسلمانان بلژیک و همه نهادهای مشابه خودگمارده مذهبی که از قبل ممنوعیت نقد مذهب ارتزاق میکنند، کسانی که حافظ برقه و حجاب اسلامی و قوانین شریعه در سراسر جهان اید، پاسخ خود را از یاخچی آباد تهران، دریافت کنید! خبر زیر را بدون شرح بخوانید:

"درگیری بر سر حجاب در تهران یک کشته برجای گذاشت. به گزارش خبرگزاری فارس، در درگیری در یاخچی آباد تهران بر سر حجاب، یک زن تذکر دهنده کشته شد. این درگیری در روز اول اردیبهشت ماه امسال، روی داد. به گفته این خبرگزاری و بنقل از بازپرس ویژه نازی آباد، ۴ زن که خواهر بوده اند به ۳ زن دیگر که آنها هم خواهر بوده اند تعرض میکنند و درباره رعایت حجاب اسلامی تذکر میدهند. برادر این سه زن در حمایت از خواهرانش به زنان تذکر دهنده اعتراض میکنند. جدالی بر سر حجاب براه میافتد و در نتیجه این جدال یکی از زنان تذکر دهنده زخمی و سپس در بیمارستان در میگذرد."

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هفتگی

زنده باد سوسیالیسم